



### نیاز تنایاهو به جنگ

حمیدرضا دهقانی، سفیر سابق ایران در قطر گفت: «تنایاهو در حال حاضر به این جنگ و ادامه آن نیاز دارد؛ البته باید به این موضوع توجه داشت که غزه از ابتدا اولویت تنایاهو نبود، غزه بیشتر اولویت مخالفان و رقیبان تنایاهو بود اما در حال حاضر شکست ۱۷ اکتبر باعث شده تنایاهو نیازمند دستاورد باشد، دستاوردی که امید به دستیابی به آن برای او هر چه می‌گذرد کم‌رنگ‌تر می‌شود. در اسرائیل پیش از این جنگ ۲ دیدگاه وجود داشت؛ عده‌ای معتقد بودند تهدید اول برای این رژیم غزه و نیروی مقاومت است و دیدگاه دیگری که افرادی مثل تنایاهو آن را نمایندگی می‌کردند، می‌گفتند تهدید اول برای اسرائیل ایران است نه غزه. وقتی چنین تحولاتی رخ داد و همچنین با توجه به پرونده‌های فساد که از قبل در مورد تنایاهو وجود داشت، مطالبه برای کناره‌گیری، محاکمه و زندانی کردن تنایاهو افزایش یافته و به محض توقف جنگ بیشتر نیز می‌شود. تنایاهو به خوبی می‌داند که اگر این جنگ تمام شود کمیته‌ای مثل کمیته «وینوگرا» تشکیل می‌شود و فردی مثل وینوگراد می‌آید، تحقیق می‌کند و تک‌تک اتفاقاتی که افتاده است را مورد بررسی قرار می‌دهد.»



### واکنش آمریکا به گزارش آزانس

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا روز سه‌شنبه گفت، این کشور «تا حد زیادی نگران» گزارش آزانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره تولیدات اورانیوم با یمن بالا توسط ایران است. طبق گزارش روزنامه صهیونیستی جروزالم پست، این مقام کاخ سفید با مطرح کردن ادعاهایی علیه ایران گفت: «تش‌زایی هسته‌ای ایران در موقعیتی که نیروهای نیابتی تحت حمایت ایران به فعالیت‌های خطرناک و ثبات‌دیشان در منطقه، از جمله حمله پهلادی مرگبار اخیر و دیگر حملات انجام‌شده در عراق و در سوریه و حملات حوثی‌ها (نیروهای مسلح یمن) علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ نگران‌کننده‌تر است. واکنش این مقام آمریکایی در پی این مطرح می‌شود که خبرگزاری رویترز روز گذشته مدعی شد بیانیه‌ای درباره خلاصه گزارش محرمانه آزانس بین‌المللی انرژی اتمی به اعضای خود را رویت کرده که در آن آمده است، ایران کاهش سرعت تولید اورانیوم غنی شده خود تا خلوص ۶۰ درصد در چند ماه گذشته را پایان داده و به حالت قبلی بازگردانده است. خبرگزاری رویترز با استناد به این بیانیه همچنین گزارش داد، ایران «تولید اورانیوم با خلوص بالای خود را افزایش داده و رویه پیشین کاهش تولیدات خود را از اواسط ۲۰۲۳ به پایان رسانده است.»



### انتقاد اولیانوف از غرب

«میخائیل اولیانوف» نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین با اشاره به گزارش جدید آزانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران که خبرگزاری رویترز روز گذشته مدعی شد بیانیه‌ای درباره خلاصه این گزارش محرمانه را رویت کرده، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «طبق گزارش آزانس، ایران کاهش سرعت چندماهه در غنی‌سازی اورانیوم تا خلوص ۶۰ درصد را متوقف کرده و به حالت قبل بازگردانده است. اگر آمریکا و ترویسکای اروپا (آلمان، فرانسه و انگلیس) مانع احیای برنامه در سال گذشته نشده بودند، سطح غنی‌سازی در ایران، در حال حاضر، از ۲/۶۷ درصد فراتر نبود.» اشاره اولیانوف به حدود غنی‌سازی اورانیوم در توافق هسته‌ای ایران است.

شاه نیز تسلیم شد و استعفا سپهسالار را پذیرفت. سپهسالار چنان از جان خود بیمناک شده بود که دست به دامان انگلیسی‌ها شد. دیکسون، پزشک سفارت که همراه شاه بود، از اردوگاه شاه به تامسون وزیر مختار انگلیس چنین نوشت: «صدراعظم معزول بسیار دل‌شکسته به‌نظر می‌رسید. درحالی‌که اشک در چشمان وی حلقه زده بود، به من اظهار داشت که از جان خودش ایمن نیست، به شخص شاه اطمینان واقع دارد و شاه نیز نسبت به وی مهربان است، اما می‌ترسد که مبار روحانیون، شاه را به کشتن وی برانگیزند لذا صدراعظم به‌ویژه از من خواهش کرده است که این مطلب را برای شما بنویسم. وی خواسته است که پس از عرض سلام خاطر نشان سازم که صدراعظم ایران همواره دوست انگلستان بوده و شخص ملکه وی را به دریافت نشان ستاره هند مفتخر ساخته است. لذا شخص وی باید از هرگونه گزند و خفتی مصون ماند. میرزااحسین خان از جناب‌عالی و همکاران وزیر مختار خواهش کرده است که دسته‌جمعی نامه‌ای زنده‌شده بفرستید و از اعلی حضرت قول بگیرید که جان صدراعظم ایمن بماند و نسبت به وی بی‌حرمتی نشود. وی توصیه کرده است که عبارات نامه بسیار احتیاط‌آمیز نوشته شود تا به احساسات رقیقه اعلی حضرت برخورد.»

اما سپهسالار همچنان محبوب شاه بود و به فاصله اندکی به‌عنوان وزیر جنگ و وزیر امور خارجه به قدرت بازگشت و تا هفت سال دیگر در کنار شاه بود. نامه میرزااحسین خان سپهسالار در پاسخ ناصرالدین شاه خواندنی است: «قربان خاک‌پای جواهر‌آسای اقدس همایون مبارک شوم. زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی - روحنا فداه - خداوند شاهد است مثل اعجاز عیسوی این مرده حقیقی را جان تازه داد و مجدداً از وادی عدم به صحرای وجود آورد، چنانکه با دست و دل شکسته و تن خرد شده، فوراً از بستر برخاسته، مشغول عریضه‌نگاری شدم. خداوند هزار مرتبه جان ناقابل این خانه‌زاد ذلیل بی‌مقدار را به تصدق وجود مسعود، قدران همایونی روحنا فداه گرداند و به لعنت خداوند گرفتار سازد اشخاصی را که از بابت نقض فهم و عدم شعور، سلب حقوق و قدرانی از وجود مقدس شاهنشاهی روحنا فداه می‌نمایند که والله از روی اعتقاد عرضه می‌دارم، در ربع مسکون به حقوق همایونی هنوز کسی سراغ ندارم. هرکس یک قدم به صدق و ارادت در خاک پای مبارک حرکت کرد، اقلأ ده قدم به مرحمت و عطفوت با او رفتار فرمودید و از صد خطای او اغماض ملوکه‌ها فرمودید. والله بالله تالله تا زنده‌ام در هر مقامی که میل مبارک اقتضا فرماید که بنده کمترین را در آن مقام نگاه دارم... فدایی وجود مبارک و شاکر مرحمت‌های سابقه خواهم بود... لهنذا جبرئیل وزریده عرضه می‌دارم که مسند وزارت خارجه مرحمتی همایونی را با کمال تشکر قبول دارم و ابدأ خیال تجاوز را نخواهم کرد... حالا که رای مبارک به صرافت طبع همایونی به این فقره [انتصاب به وزارت خارجه] علاقه گرفته است و فدوی خانه‌زاد هم در جنب اوامر ملوکه‌ها، اطاعت صرفم، دیگر تزلزل به‌خاطر مبارکتان راه ندهید... خداوند جان ناقابل فدوی ذلیل و خانه‌زاد نفی [تبعیدی] را به قربان خاک پای مبارک نماید. آمین ثم آمین.»

سپهسالار قدر و قدرت خود را به سرعت باز یافت و حتی در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا نیز او بود که همراه اصلی شاه محسوب می‌شد. او در مقام وزیر امور خارجه مسئول فسخ قرارداد رویترز شد و طبیعتاً حمایت انگلیسی‌ها را پس از این از دست داد. او به واسطه برادرش معیرالملک به سمت روس‌ها متمایل شد. سپهسالار که در سفر نخست ناصرالدین شاه به بریتانیا یکی از بالاترین نشان‌های دولتی را از ملکه بریتانیا دریافت کرده بود، وقتی در مقام وزیر امور خارجه برای تسلیت درگذشت الکساندر دوم به روسیه رفت، از سوی الکساندر سوم نشان بالای دولتی روسیه را دریافت کرد. این استقبال باشکوه سپهسالار به واسطه نقش او در انعقاد قرارداد آخال و چشم‌پوشی از حقوق مسلم ایران در ماورای خزر و کوک تپه و آخال و واگذاری آنها به روسیه بود.

با بازگشت از این سفر بود که نظر ناصرالدین شاه از او برگشت و معزول شد و به حکومت خراسان گماشته شد و به فاصله کوتاهی در ۵۷سالگی درگذشت.

حاصل در بخش‌های آهن، معادن و جنگل‌ها به ترتیب ۲۰، ۱۵ و ۱۵ درصد باشد.

با وجود اتهام دریافت رشوه از سوی میرزاالملک‌خان و میرزااحسین خان سپهسالار برای انعقاد این قرارداد به‌صورت جدی مطرح است که با سابقه هر دو در مال‌اندوزی و اعمال مشابه محتمل به نظر می‌رسد اما برخی نیز از این قرارداد عجیب دفاع کرده و آن را نخستین قرارداد B.O.T یا ساخت، بهره‌برداری و واگذاری تاریخ ایران معرفی می‌کنند. اگر از حق نگذریم می‌توان چنین تلقی‌ای از قرارداد داشت اما آنچه که عجیب است دایره نامحدود و گسترده و انحصاری این واگذاری و مدت‌زمان طولانی آن است. هر چند بدون شک با اجرایی چنین قراردادی ایران خیلی سریع‌تر در مسیر مدرنیزاسیون قدم برمی‌داشت اما در عین حال منابع کشور نیز با سرعت باورنکردنی توسط بریتانیا به بی‌غما می‌رفت. در واقع خدمات پیش‌بینی شده چون ایجاد خط راه‌آهن از شمال ایران تا خلیج فارس و ایجاد راه و تلگراف و سیستم‌های آبیاری و... بخشی از ضرورت‌های استخراج و استعمار و غارت منابع ایران بود. صاحب چنین امتیازی برای بهره‌برداری از منابع، معادن و جنگل‌های ایران به چنین زیرساخت‌هایی نیاز داشت تا بتواند منابع استخراج‌شده را جابه‌جا و به مقصد مدنظرش منتقل کند. هر چند دولت بریتانیا در ادامه از این قرارداد پشتیبانی جدی نکرد و رویتر سرمایه‌دار بریتانیایی را در نیمه راه رها کرد اما بدون شک این رها کردن به علت قابل دفاع نبودن و موج مخالفت و اعتراض عمومی بود که در ایران برای مخالفت با قرارداد بر خاست. ماهیت قرارداد به‌قدری زیاده‌خواهانه و جاه‌طلبانه بود که حتی نویسندگان و سیاستمداران بریتانیایی را هم به اعجاب واداشت. لرد کرزن که خود سال‌ها بعد طراح و مبتکر قرارداد ۱۹۱۹، پیش از دست یافتن به مقام وزارت خارجه انگلیس بود، در کتاب معروفش «ایران و قضیه ایران»، می‌نویسد: «پیش از این راجع به امتیاز اصلی و معروف سال ۱۸۷۲ رویتر اشاراتی نمودم. این موضوع به‌قدری در اروپا هیجان ایجاد کرد که... به‌خاطر وجود وجهه مقایسه‌ای بین آن سند و امتیازنامه بانک شاهنشاهی و هم از لحاظ این که بر جست‌ترین نمونه تاریخی از شیوه کار بی‌بندوبار ایران برای تجارت خویش به دست آمده باشد، قصد دارم مشخصات عمده آن را در اینجا شرح دهم... طرح رویتر عالی‌ترین مرحله دوره‌ای از احساسات جدی و صمیمانه انگلیس‌فیلی در تهران و آن شاهکار سیاسی میرزااحسین خان، صدراعظم مقتدر بود... وقتی که متن آن به‌نظر اهل جهان رسید دریافتند که مشتلم بر کامل‌ترین مواد و واگذاری در دست کلیه منافع صنعتی یک کشور در دست خارجی است که مانند آن هرگز به گمان احدی درنیامده بود و در تاریخ سابقه نداشته است... این بود سند حیرت‌انگیزی که انتشارش... طوفان هیجان در اروپا برانگیخت.» کرزن در جای دیگر پیرامون این قرارداد می‌گوید: «یک چنین امتیاز عظیم و بی‌سابقه، یک بخشش نامه بود از طرف کشور ایران و باید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بود این بازی را به آخر برساند، نه‌تنها شاه ایران مات شده بود بلکه تزار روسیه هم به جای خود می‌خکوب می‌شد.» کرزن خود درباره فرجام این قرارداد می‌نویسد: «ما در موارد دیگر و در همین زمانه خود، شر و زیان این طرز کار را درباره سرزمین یا ملت‌های دیگری که از طرف سرمایه‌داران بیگانه، وسیله استثمار قرار گرفته بودند، مشاهده نموده و دیده‌ایم که چگونه قربانی کردار دسته‌هایی از ماجراجویان سودپرست، که در عالم خویش ریزه‌خوار دولت‌ها یا کمپانی‌هایی بودند، واقع شدند و می‌دانستیم که ثبات وضع و استقرار ملی از این راه قابل تأمین نیست.»

در پی افشای متن قرارداد در مطبوعات لندن و رسیدن خبر آن به ایران موج مخالفت‌های خاست و بسیاری از رجال و شخصیت‌ها از جمله انیس‌الدوله، زن شاه در صف مخالفین قرار گرفتند. حاج‌ملاعلی کنی، مجتهد تهران نیز در صف مخالفان بود و زمانی که شاه همراه صدراعظم به بندر انزلی رسید و طومار مخالفت رجال به دستش رسید و به آن اعتنایی نکرد با مخالفت حاج ملاعلی کنی و تهدید به صدور مهذول‌الدمی صدراعظم، ناصرالدین

خوش‌یمن بود و ناصرالدین شاه به‌منظور قدران از تلاش‌های میرزااحسین خان در مسیر بازگشت از زیارت، در بغداد، او را به وزارت عدلیه و وظایف و اوقاف منصوب کرد و وی به همراه شاه به تهران آمد. میرزااحسین خان در طول دوران وزارت عدلیه و اوقاف، تمام تلاش خود را بر این متمرکز کرد که نظام قضائی سابق را که بر نفوذ روحانیت استوار بود، برهم زند. لذا با نگارش کتابچه تنظیمات که آن را به تصویب و امضای شاه نیز رسانده بود، درصد تعیین حدود و وظایف کارکنان دولت برآمد. از اقدامات مثبت او در این دوره این بود که به شاه پیشنهاد کرد صندوقی به نام «صندوق عریض» در تمام شهرستان‌ها نصب کنند تا مردم بتوانند شکایات خود را از حکام محلی و ماموران دولتی در آن صندوق بریزند و در پایان هر ماه نامه‌های مردم را با یک ویژه به تهران بفرستند و شکایات مردم مستقیماً به نظر شاه برسد و دستور‌هایی بایسته داده شود.

ستاره اقبال میرزااحسین مشیرالدوله در خشیدن گرفت و او به فاصله اندکی به وزارت جنگ و سپس صدارت اعظمی انتخاب شد. ناصرالدین شاه ضمن اعطای لقب «سپهسالار اعظم»، ابتدا او را به وزارت عسکری منصوب کرد و پس از مدتی کوتاه فرمان صدارت او را صادر و «تیک و بد جمیع امور دولت» را به وی محول کرد. خود سپهسالار می‌نویسد: «جمیع امورات دولتی و مملکتی را جزئیتاً و کلیتاً واگذار و تفویض فرموده‌اند.» احمدخان ملک‌ساسانی دیپلمات و مورخ عصر پهلوی که خود سال‌ها در وزارت امور خارجه به کار اشتغال داشته، معتقد است: «در موقع تعیین میرزااحسین خان به صدارت، انگلیسی‌ها برای چهار فقره از تقاضاهای خودشان از او قول گرفتند: اول، قبول حکمیت انگلیس راجع به بلوچستان؛ دوم، قبول حکمیت مامور انگلیس راجع به حدود سیستان؛ سوم، دادن امتیاز منابع ثروت سرتاسر ایران به بارون ژولیوس دورویتر؛ چهارم، بردن ناصرالدین شاه به لندن برای دیدن جلال و عظمت امپراطوری انگلیس. صدراعظم دست‌نشانده هم هر چهار فقره را موافق دلخواه آنها انجام داد.» شواهد و قرائن بسیاری وجود دارد که چنین صراحت و شرط و شروطی را نفی می‌کند: از جمله عدم حمایت دولت انگلیس از امتیاز رویتر و یا نسبت دادن سفر ناصرالدین شاه به انگلیسی‌ها، اما پوشیده نیست که انگلیسی‌ها از صدارت میرزااحسین خان سپهسالار حمایت کردند. سپهسالار تنها چهل‌هفت روز پس از صدارتش، میرزاالملک‌خان، دیگر روشنفکر غرب‌گرای ایرانی را از استانبول فراخواند و مدتی او را مشاور خود کرد و سپس به‌عنوان سفیر به لندن اعزام کرد. یکی از خطاهای حتمی سپهسالار، پذیرش حکمیت گلداسمیت در بلوچستان بود که مرز تصنعی ایران در شرق را رقم زد و بخش‌های زیادی از بلوچستان ایران را از کشور جدا کرد.

سپهسالار از ابتدای صدارت خود تلاش کرد توجه شاه را به لزوم انجام اصلاحات داخلی با الگو قرار دادن کشورهای اروپایی قانع کند و در همین مسیر مقدمات نخستین سفر پادشاه ایران به کشوری مسیحی را فراهم کرد و ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۸۷۳ برابر با ۲۰ فروردین ۱۲۵۲ شمسی عازم سفر اروپا شد. صدراعظم میرزااحسین خان سپهسالار نیز در این سفر که از بندرانزلی شروع و تا لندن ادامه پیدا می‌کرد، شاه را همراهی می‌کرد. ناصرالدین شاه در این سفر به کشورهای روسیه، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عثمانی مسافرت کرد و با رهبران بزرگی چون الکساندر دوم، امپراطور روسیه تزاری، ویلهلم یکم، امپراطور و بیسمارک، صدراعظم آلمان و ملکه ویکتوریا، ملکه بریتانیا دیدار کرد. سفر در ذهن و رفتار ناصرالدین شاه تأثیر عمیقی داشت و دست‌کم او را برای اجرای اصلاحات ظاهری متقاعد کرد.

سپهسالار از ابتدای صدارت خود تلاش کرد توجه شاه را به لزوم انجام اصلاحات داخلی با الگو قرار دادن کشورهای اروپایی قانع کند و در همین مسیر مقدمات نخستین سفر پادشاه ایران به کشوری مسیحی را فراهم کرد و ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۸۷۳ برابر با ۲۰ فروردین ۱۲۵۲ شمسی عازم سفر اروپا شد. صدراعظم میرزااحسین خان سپهسالار نیز در این سفر که از بندرانزلی شروع و تا لندن ادامه پیدا می‌کرد، شاه را همراهی می‌کرد. ناصرالدین شاه در این سفر به کشورهای روسیه، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عثمانی مسافرت کرد و با رهبران بزرگی چون الکساندر دوم، امپراطور روسیه تزاری، ویلهلم یکم، امپراطور و بیسمارک، صدراعظم آلمان و ملکه ویکتوریا، ملکه بریتانیا دیدار کرد. سفر در ذهن و رفتار ناصرالدین شاه تأثیر عمیقی داشت و دست‌کم او را برای اجرای اصلاحات ظاهری متقاعد کرد.

سپهسالار از ابتدای صدارت خود تلاش کرد توجه شاه را به لزوم انجام اصلاحات داخلی با الگو قرار دادن کشورهای اروپایی قانع کند و در همین مسیر مقدمات نخستین سفر پادشاه ایران به کشوری مسیحی را فراهم کرد و ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۸۷۳ برابر با ۲۰ فروردین ۱۲۵۲ شمسی عازم سفر اروپا شد. صدراعظم میرزااحسین خان سپهسالار نیز در این سفر که از بندرانزلی شروع و تا لندن ادامه پیدا می‌کرد، شاه را همراهی می‌کرد. ناصرالدین شاه در این سفر به کشورهای روسیه، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عثمانی مسافرت کرد و با رهبران بزرگی چون الکساندر دوم، امپراطور روسیه تزاری، ویلهلم یکم، امپراطور و بیسمارک، صدراعظم آلمان و ملکه ویکتوریا، ملکه بریتانیا دیدار کرد. سفر در ذهن و رفتار ناصرالدین شاه تأثیر عمیقی داشت و دست‌کم او را برای اجرای اصلاحات ظاهری متقاعد کرد.

### قمار سپهسالار بر سر قرارداد رویتر

یکی از قمارهای زندگی سپهسالار قراردادی بی‌نظیر و بی‌مانند با سرمایه‌داری بریتانیایی به نام بارون ژولیوس دورویتر بود که در ایران با قرارداد رویتر و در جهان با خبرگزاری رویترز شناخته شده است. سپهسالار پیش از نخستین سفر شاه به اروپا و تنها هشت ماه پس از صدارتش این قرارداد را امضا و عازم سفر اروپا شد. متن قرارداد در جریان سفر ناصرالدین شاه و توسط مطبوعات لندن افشا شد و موجی از شگفتی را در اروپا رقم زد و مخالفت‌ها در ایران را نیز برانگیخت.

بر اساس این قرارداد امتیاز انحصاری کشتیدن راه‌آهن و تراموا در تمام ایران، استخراج و بهره‌برداری از کلیه معادن (زغال سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و...) و جنگل‌ها، آباد کردن کلیه اراضی بایر، حفر قنوات در سراسر کشور، کندن مجاری آب و احداث بند، سد، چاه و تمام مسائل مربوط به آبیاری، ساختن آسیاب و کارخانجات، دایر کردن بانک دولتی، احداث هرگونه راه، کشتیدن خط تلگراف در سراسر کشور همگی یکجا، برای مدت هفتادسال به رویتر واگذار می‌شد. اجاره تمام گمرکات کشور برای مدت بیست‌و پنج سال نیز بخش دیگری از این قرارداد بود. همچنین کلیه اراضی لازم برای احداث خط‌آهن، چاه، معدن، سد، بند و نیز مصالح لازم برای احداث و تعمیر راه‌ها (از قبیل آهک، سنگ، گچ و...) به‌طور رایگان از اراضی دولتی در اختیار کمپانی قرار می‌گرفت. علاوه بر این، در قرارداد پیش‌بینی شده بود تمام مصالحی که برای ساخت راه‌آهن و بهره‌برداری از معادن باید به کشور وارد شود، از هرگونه مالیات و گمرک معاف خواهد بود و قرار بود زمین‌های دولتی لازم برای معادن به‌طور رایگان به ملکیت کمپانی درآید و مقرر بود چنانچه معدنی در مالکیت یکی از اتباع ایران باشد و کمپانی نتواند با آن شخص به توافق برسد، دولت ایران اتباع خود را به فروش زمین مجبور سازد. رویتر همچنین از اولویت خرید اراضی مربوط به جنگل‌ها پس از بریدن درخت‌های آن نیز برخوردار بود و در صورت تمایل ایران به اعطای امتیازات تلگراف، آسیاب، کارخانجات آهن‌آلات و... کمپانی رویتر ارجحیت داشت. مطابق قرارداد، مقرر شده بود درآمد دولت ایران از عواید



بارون ژولیوس دورویتر